



www.ebtekarnews.ir

پنجشنبه
۱۴ مرداد۱۳۹۵
شماره ۳۴۹۲



»

تاثیر مهاجرت کارگران بر میزان آگاهی آنها در دوران مشروطه بررسی شد؛

مهاجرت آگاهی بخش

نادر پروانه / عضو شورای نویسندگان تاریخ نگاران ایران

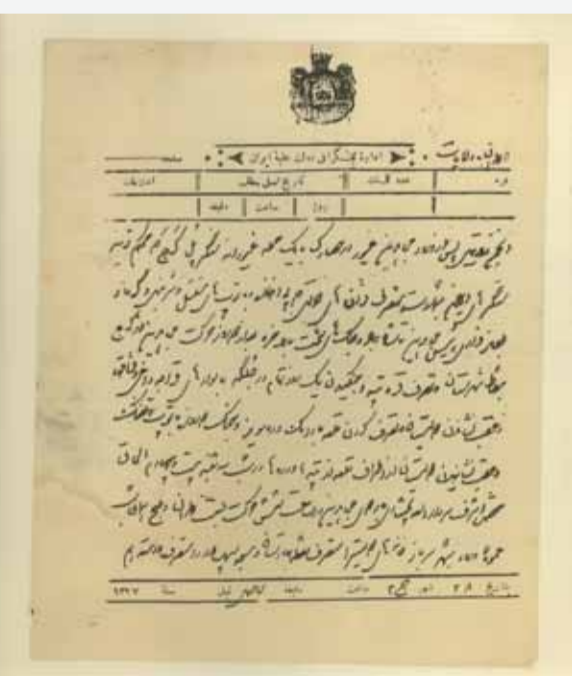
فروپاشی نظام زمین‌داری و اقتصاد سنتی ایران در دوران حکومت شاهان قاجار، گرفتن وام‌های هنگفت از کشورهای بیگانه و واگذاری امتیازهای نابوا به آنها، کشور را در وضعیت اقتصادی بدی قرار داده بود. باج‌گیری و رفتار خود سرانه‌ی اموران دولتی نیز وضعیت را بدتر کرده بود. بسیاری از کشاورزان که تا آن زمان با تولید محصولات خود امرار معاش می کردند، به تدریج منبع درآمد خود را از دست دادند و به نیروی کارگری پیوستند. از آنجا که شرایط مناسب کاری برای اشتغال این نیروی عظیم در داخل کشور به اندازه‌ی کافی فراهم نبود، بسیاری از آنان به کشورهای همسایه از جمله کشورهای منطقه‌ی قفقاز و آسیای میانه و روسیه تزاری مهاجرت کردند. اگر چه در مناطق شرقی، اهل خراسان به عشق آباد مهاجرت می کردند ولی در نواحی غرب شمال و مرکز ایران گرایش مهاجرت به روسیه و نواحی جنوبی آن به ویژه قفقاز و شهر باکو را داشتند. فروپاشی نظام اقتصاد سنتی، به راهایی و بیکاری دهقانان و پیشه وران منجر شد. همچنین موقعیت خاص تاریخی- جغرافیایی اقتصاد ایران در زمان ادغامش در نظام جهانی، چنان بود که نیروی کار مازاد که از بخش سنتی آزاد می‌شد، نمی‌توانست از طریق استخدام در بخش‌های جدید دوباره جذب اقتصاد شود و در نتیجه نیروی کار که از بخش‌های سنتی آزاد می‌شد، راهی جز مهاجرت نداشت. به همین علت مهاجرت در آغاز قرن بیستم ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد. این کارگران علت مهاجرت خود را اوضاع داخلی ایران می‌دانستند. آنها اعتقاد داشتند: «در ایران امنیت نیست، کار نیست، نان نیست، بعضی از تعدی حکام، برخی از ظلم بیگلربیگی، داروغه و کتخدا» همچنین فقر در روستاها و ورشکستگی کسبه‌ی شهری که در نتیجه‌ی رقابت خارجی حاصل شد، سبب گردید عده‌ی زیادی از مردم ایران تحمل خود را از دست داده و کشور را ترک کنند. قسمت اعظم این مهاجرین به مراکز صنعتی روسیه تزاری روی آوردند و معدن نفت باکو از مهمترین این مراکز به شمار می‌رفت. کم‌رآمدی مملکت ایران، بیکاری مردم، تعدی زبردستان در حق زبردستان و بی‌صاحبی رعیت که اینان را به خاطر یک تومان پول یک‌دکه بی پول و آرزو و به ممالک خارجه روانه می‌کرده که بخشی از دلایلی است که در منابع تاریخی به آنها اشاره شده است- را نیز می‌توان از سایر دلایل رشد مهاجرت از کشور عنوان نمود. عوامل رانشی این مهاجرت بر بسترهای اجتماعی و سیاسی قرار داشت که نشان دهنده‌ی وضعیت نامطلوب ایران در این دوران است. علاوه بر عوامل رانشی در مهاجرت (تغییرات ساختاری شرایط اقتصادی ایران)، عوامل کششی نیز موجب جذب مهاجران به کشورهای مقصد می‌گردید. محرک قدرتمند این عامل، تحول اقتصادی در روسیه بود که کارگران ایرانی را در مقیاس انبوه به مراکز صنعتی رو به رشد در روسیه و به ویژه قفقاز جذب می‌کرد. وضعیت کارگران در مناطق قفقاز هم مطلوب‌تر از ایران نبوده اما حداقل دستمزدی برای گذران زندگی داشتند. قفقازی‌ها و اهالی محل، ایرانی‌ها همشهری خطاب می‌کردند و او را پست و حقیر می‌شمردند، حتی خود همشهری نیز برای خود شخصیتی قائل نبود او را تحقیر می‌کردند و در رستوران‌ها، ترن‌ها و محل تفریح و تفرج اجتماعی راه نمی‌دادند. همشهری از برده و غلامان دوری اسارت پست‌تر و حقیرتر بود. او برای کار کردن، زحمت کشیدن و کتک خوردن خلق شده بود، خود او همه‌ی اینها را تحمل می‌کرده؛ زیرا در میهن خود علاوه بر این که از این حقیرتر و از این بی‌حقوق‌تر بود، کار هم گیرش نمی‌آمد. همشهری از ظلم خان‌ها و محترکان و برای راهایی از جنگ بی‌کاری و بی‌قولی و به قصد محافطت خویش و به دست آوردن لقمه نالی برای اهل و عیال خود که در کمال عسرت و بدبختی در ایران به سر می‌برند به باکو می‌رفتند.

اگر چه در این بحث، سعی بر آن است تا تنها به چند سال پیش و پس از مشروطه توجه شود، اما باید اذعان داشت که روند این مهاجرت‌ها سابقه‌ی طولانی در تاریخ ایران داشت. تاوجه به آمار، به خوبی می‌توان سیر نزولی مهاجرین به روسیه را از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵م مشاهده کرد. این سیر نزولی بیلنگر شرایط انقلابی در روسیه و بیاسیامتی‌هایی است که بر اثر آن مهاجران رخ داده است. اوج این تنزل را می‌توان در سال ۱۹۰۵م یعنی در زمان وقوع انقلاب روسیه مشاهده کرد.

زهرا موسیوند / عضو شورای نویسندگان تاریخ نگاران ایران

با به توپ بستن مجلس، محمدعلی شاه، به فکر ایالات افتاد؛ در تهران «شهر ساکت، بازارها باز، احدی اسمی از مشروطه یا مستبد نمی‌برد کانه ایام ناصرالدین شاه» بود. از این رو، رکن الدوله را به خراسان، اصف‌الدوله را به شیراز، سردارافخم را به گیلان و عین‌الدوله را به آذربایجان روانه کرد. کسروی می‌گوید: در نخستین بهار آزادی در ۱۲۸۶ در تبریز یزد مرمود مشق سپاهیگری و تیراندازی می‌کردند و این کار از زمستان شروع شده اما پیشرفت آن در بهار بود. این مسئله نشان‌دهنده آن بود که تبریز خود را آماده جنگ علیه مستبدین می‌کرد. انجمن ایالتی درس تخته شده بود. انقلابیون به نوعی از جامعه حذف شدند. در دیگر شهرها نشانی از مشروطه نمانده بود. با این وجود تبریز در این دوره به راستی سنگر مشروطیت به حساب می‌آمد که توانست یازده ماه به توسط ستارخان و باقرخان مقاومت کند. پرچم‌های سفید که به علامت تسلیم زیر لوی روس‌ها بر سر ستارل نصب شده بودند به همت ستارخان و یارانش پایین کشیده شد و بیرق تازه‌ای تهیه شد و بر سر در انجمن نصب نمود و به این صورت مقاومت تبریز شکل گرفت. این یازده ماه را می‌توان به چهار دوره تقسیم نمود؛ یکم: از ۲۲ جمادی الاول تا ۱۲ جمادی الثانی ۱۲۲۶ دوم: از ۱۴ جمادی الثانی تا ۱۶ رمضان سوم: از ۱۸ رمضان تا نیمه ذیحجه که دوران صلح بود و سرانجام دوره چهارم: از ۱۴ ذیحجه تا ۱۲۲۶. ۸ ربيع الثانی ۱۳۲۷ که با ورود سپاهیان روس مقاومت تبریز شکسته شد. در اینجا مجال پرداختن به همه وقایع این دوره وجود ندارد.
ضرام السلطنه در ۸ ذیحجه ۱۳۲۶ با حدود حدود ۱۱۰ نفر پیاده و سواره سوی اصفهان حرکت نمود و توانست با زد و خورد اندکی شهر را تصرف کند. اقبال الدوله حاکم اصفهان به کنسول انگلیس پناهنده شد و ضرام‌السطنه اعلام داشت تا ورود صمصام‌السلطنه که روز دوشنبه خواهد بود حکومت شهر را خود او برعهده خواهد داشت. صمصام السلطنه نیز با ۸۰۰ سوار در ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۶ وارد اصفهان شد و چند روز بعد انجمن ولایتی اصفهان در ۱۶ همان ماه تشکیل شد. سردار اسعد نیز در ۱۵ ربيع الثانی ۱۳۲۷ وارد ایران شدو مصمم شدند که به سمت تهران حرکت نمایند و در اعاده مشروطیت تلاش نمایند. با وجود این حاج آقا نوابله نجفی مشروطه خواه با حرکت به سمت تهران مخالفت می‌کرد اما سردار اسعد بی توجه به مخالفت حاج آقا نوابله نجفی به سوی تهران روانه گردید. از سوی دیگر سردار افخم در رشت توسط گروهی در باغ مدبریّه کشته شد و سپهبد نیز در روز دوشنبه ۱۶ صفر وارد انزلی و سپس به حکومت گیلان رسید. با رتق و فتق امور رشت توسط انجمن و سپهبد تنکابنی، بخش اندکی از نیروهای شمال به ریاست میرزا حسین کسمانی برای دفاع شهر اختصاص داده شد و اردوی مرکزی در چهار بخش به فرماندهی معزالسلطان(گیلک -ها)، بیرم‌خان(رمنی‌ها)، والیکو) گرجی‌ها) به سوی قزوین حرکت نمودند. از این رو، اردوی بختیاری از اصفهان و اردوی شمال از گیلان روانه تهران شدند. این دو اردو در قم و قزوین با هم هماهنگ شدند. حرکت این دو اردو سبب ترس و وحشت در بین مستبدین گردید. بختیاری‌ها که به قم وارد شده بودند، تقریباً ۵۰۰ نفر بودند. سردار اسعد نیز با ۱۰۰۰ نفر بختیاری در راه بود. در این میان به سپهبد تلگرافی مخاره نمودند و خود را تماماً تحت فرمان سپهبد اعلام نمودند. مجاهدان در حصارک با حمله به سنگر پل کرج آنجا را تصرف کردند و قزاق‌های دولتی که با توپ‌های مسلسل و شنبلی و گرناد بودند، را فراری دادند. رئیس مجاهدان تا شاه‌آباد و جنگ‌های سخت بالاخره بعد از دو روز حرکت مجاهدان از کرج به نقاط شهرستان و تصرف قره تپه و جنگیدن یک روز تمام در جلگه با سوارهای قزاق‌دغاغی و قزاق‌ها و عقب نشاندن دولتیان و تصرف کردن قلعه بادامک، وره مویز و جنگ دو روزه با توپ و تفنگ و عقب نشاندین دولتیان از اطراف قلعه از تپها و درها در شب سه شنبه بیست و چهارم الحاق حضرت اشرف سردار اسعد بختیاری بر اردوی مجاهدین در ساعت شش حرکت به سمت طهران و صبح همان شب عموماً ورود به شهر سرپازخانه‌های دولتی را متصرف، نقطه طهران و مسجد سپهسالار را متصرف و دسته اطراف توپخانه و قزاق خانه را محاصره کرده؛ تا صبح جمعه در تمام شهر صدای

سربازخانه‌های دولتی، بهارستان و مسجد سپهسالار را تصرف کردند و دسته اطراف توپخانه و قزاق خانه را محاصره کرده؛ تا صبح جمعه در تمام شهر صدای شلیک توپ و تفنگ دولتیان و ملتیان گوش‌ها را کر و چشم‌ها را پُر کرد. در اینجا جزئیات فتح تهران، بر اساس سندی برگرفته از کتاب "روزشمار محاصره تبریز و اعاده مشروطیت" که به زودی به کوشش آقایان نادر پروانه و سجاد جمشیدیان منتشر می‌شود، ذکر می‌گردد.



هیئت وزرای عظام **مهرآ**

از طهران به ولایات

۲۸ جمادی الثانی ۱۳۲۷ق

تلگراف رئیس انجمن ولایتی در مورد فرار و پناهندگی محمد علی شاه به سفارت روس

انجمن ولایتی پس از ورود مجاهدین غیور در حصارک با یک حمله غیورانه سنگر پل کرج که محکم ترین سنگرهای ایران به شمار است متصرف، قزاق‌های دولتی که بی‌انزاه، و با توپ‌های مسلسل و شنبلی و گرناد بودند فراری، رئیس مجاهدین تا شاه‌آباد و جنگ های سخت بالاخره بعد از دو روز حرکت مجاهدین از کرج به نقاط شهرستان و تصرف قره تپه و جنگیدن این روز تمام در جلگه با سوارهای قزاق‌دغاغی و قزاق‌ها و عقب نشاندن دولتیان، و تصرف کردن قلعه بادامک و مویز و جنگ دو روزه با توپ و تفنگ و عقب نشاندین دولتیان از اطراف قلعه از تپها و درها در شب سه شنبه بیست و چهارم الحاق حضرت اشرف سردار اسعد بختیاری بر اردوی مجاهدین در ساعت شش حرکت به سمت طهران و صبح همان شب عموماً ورود به شهر سرپازخانه‌های دولتی را متصرف، نقطه طهران و مسجد سپهسالار را متصرف و دسته اطراف توپخانه و قزاق خانه را محاصره کرده؛ تا صبح جمعه در تمام شهر صدای

نمایش «برگ‌هایی از تاریخ مشروطیت ایران» در تبریز

نمایشگاه عکسی با عنوان «برگ‌هایی از تاریخ مشروطیت ایران» در موزه مشروطه تبریز بر گزار می‌شود. به گزارش ایسنا، این نمایشگاه که شامل منتخبی از تصاویر کتاب «واقعات اتفاقیه در روزگار» نوشته شیخ

محمدمهدی شریف کاشانی است، هم‌زمان با برگزاری آیین بزرگداشت مشروطیت، در موزه مشروطه تبریز افتتاح می‌شود. کتاب «واقعات اتفاقیه در روزگار» از متون تاریخ‌نگاری دوره مشروطیت به‌شمار می‌آید که به‌صورت مصور و در بیان احوال ایرانیان در زمان مشروطه‌خواهی تا هنگام تاج‌گذاری احمدشاه قاجار و بر پای‌ی سومین دوره مجلس شورای ملی نگاشته شده و استاد و مدارک جالب توجهی از تاریخ آن روزگار را دارد. در این نسخه خطی، از تصاویر منحصربه‌فردی استفاده شده که توسط هنرمند عکاسی به نام غلامرضا عکاس گرفته شده و شامل تصاویری از مردانی است که در آن کتاب به نام آن‌ها اشاره شده و در بخش مربوطه، به متن چسبانده شده است و شاید به جرات بتوان گفت کتاب «واقعات اتفاقیه در روزگار» یگانه نسخه خطی است که با ۶۱۸ عکس به ارائه تصاویر درباره مشروطه پرداخته است. این نسخه خطی در مجموعه کتابخانه و موزه ملی ملک نگهداری می‌شود. ۲۶ تابلو عکس از این نسخه خطی از ۱۴ تا ۲۰ مردادماه از ساعت ۹ تا ۲۰ در موزه مشروطه تبریز در معرض دیدن علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.



نمایش «برگ‌هایی از تاریخ مشروطیت ایران» در تبریز

نمایشگاه عکسی با عنوان «برگ‌هایی از تاریخ مشروطیت ایران» در موزه مشروطه تبریز بر گزار می‌شود. به گزارش ایسنا، این نمایشگاه که شامل منتخبی از تصاویر کتاب «واقعات اتفاقیه در روزگار» نوشته شیخ محمدمهدی شریف کاشانی است، هم‌زمان با برگزاری آیین بزرگداشت مشروطیت، در موزه مشروطه تبریز افتتاح می‌شود. کتاب «واقعات اتفاقیه در روزگار» از متون تاریخ‌نگاری دوره مشروطیت به‌شمار می‌آید که به‌صورت مصور و در بیان احوال ایرانیان در زمان مشروطه‌خواهی تا هنگام تاج‌گذاری احمدشاه قاجار و بر پای‌ی سومین دوره مجلس شورای ملی نگاشته شده و استاد و مدارک جالب توجهی از تاریخ آن روزگار را دارد. در این نسخه خطی، از تصاویر منحصربه‌فردی استفاده شده که توسط هنرمند عکاسی به نام غلامرضا عکاس گرفته شده و شامل تصاویری از مردانی است که در آن کتاب به نام آن‌ها اشاره شده و در بخش مربوطه، به متن چسبانده شده است و شاید به جرات بتوان گفت کتاب «واقعات اتفاقیه در روزگار» یگانه نسخه خطی است که با ۶۱۸ عکس به ارائه تصاویر درباره مشروطه پرداخته است. این نسخه خطی در مجموعه کتابخانه و موزه ملی ملک نگهداری می‌شود. ۲۶ تابلو عکس از این نسخه خطی از ۱۴ تا ۲۰ مردادماه از ساعت ۹ تا ۲۰ در موزه مشروطه تبریز در معرض دیدن علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.



مهاجران در آن کار می‌کردند نه تنها وضعیت طاقت فرسا و سطح بهره‌کشی از آنان، بلکه سطح آگاهی سیاسی‌شان را نیز نشان می‌داد. بسیاری از ایرانیان مهاجر تنها در بند معیشت خود بودند ولی برخی هم از نظر فکری متحول می‌شدند. تحقیر و ستمی که بر ایرانیان می‌رفت آنها را به هم نزدیک می‌کرد و روحیه میهن پرستی در آنان می‌دمید. به علاوه تحولات سیاسی و اجتماعی بردمانه‌ای در قفقاز رخ می‌داد که خواه ناخواه بر ایرانیان تأثیر می‌گذاشت. شاید بتوان گفت این وضعیت اجتماعی که کارگران مهاجر در آن به سر می‌برند باعث شد تا تجارب جدید خود را در نواحی قفقاز به کار گیرند و در احزاب فعال در قفقاز شرکت کنند. سیاسی شدن تدریجی کارگران مهاجر ایرانی در خارج کشور سرانجام به گسترش عقاید رادیکال در ایران انجامید. انتقال عقاید رادیکال در خصوص نیاز به سازمان‌های کارگری زمینه را برای پیدایش جنبش کارگری در داخل ایران نیز مهیا کرد. با وجود تلاش‌های مشترک کارگران سازمان یافته در قفقاز به پیشرفت‌هایی نایل آمدند و موفق شدند برخی از کارگران را به جرگه‌ی سیاسی و سازمانی وارد کنند. این امر در مشارکت مهاجر ایرانی در اعتصاب‌های عمومی ژوئیه ۱۹۰۳ و دسامبر ۱۹۰۴م و همین طور در چندین اعتصاب دیگر بازتاب یافت. در سال ۱۹۰۶م حدود ۲۵۰۰ کارگر ایرانی معادن مس الهوردی در ارمنستان هسته اصلی اعتصالیون را تشکیل دادند. اما همه‌ی این مهاجران از کار اخراج و به ایران برگشتند ولی آنچه که اهمیت این اعتصاب را نشان می‌دهد ورود ایرانیان به جرگه‌ی فعالیت‌های اعتصالی و در ادامه سازماندهی این جهت دفاع از حقوق خود است. از سال ۱۹۰۵م در تعدادی از ایالات و ولایات شمالی ایران مخصوصاً در آذربایجان و گیلان تشکیلات و سازمان‌های سیاسی ایجاد شدند که تحت تأثیر نهضت انقلابی روسیه به ویژه قفقاز قرار داشت. در این امر کارگران ایرانی مهمی باکوم نقش موثری داشتند. گروه سوسیال دموکرات همت در حقیقت محل تجمع همین کارگران محسوب می‌شد که اکثراً آذربایجانی بودند. پس از انقلاب ۱۹۰۵م روسیه، در ایران هم چند ماه بعد به تدریج زمینه‌های انقلاب مشروطه پدیدار گشت.

بر کناری محمدعلی میرزا و انتخاب احمد شاه بر اساس اسناد منتشر نشده بررسی شد؛

سه ساعت مانده به غروب

از سلطنت خلع گردید و احمد میرزای ولیعهد را به شاهنشاهی ایران منصوب و نیابت سلطنت را به عضدالملک تفویض نمودند، که بعد از تشکیل پارلمان بنا به ماده‌ی سی و هشت قانون اساسی در باب نیابت سلطنت موافق مقتضیات وقت قرار قطعی داده شود. ریاست کل لشکر به وثوق السلطنه، وزرات عدلیه به فرمانفرماوزارت خارجه به ناصرالملک، وزرات پست و تلگراف به سردار منصور، ریاست نظمیّه تهران به بیرم‌خان و حکومت اصفهان به صمصام السلطنه تفویض گردید.

بر اساس سندی که در ذیل آورده می‌شود، محمدعلی شاه تحت نظارت نمایندگان روس و انگلیس، پنج شنبه ۲۳ شهر شعبان ۱۳۲۷ به قصد خارج شدن از ایران حرکت کردهو بار دیگر مشروطه‌خواهان توانستند به خواسته‌های خود برسند.

از باغ به عموم ولایات

۲۷ شهر شعبان ۱۳۲۷ق

تلگراف هیئت وزرای عظام در مورد خارج شدن محمدعلی شاه از ایران

به ولایات به عموم فرمانفرماهای ایالات و حکام ولایات ممالک، محروسه تلگراف شود؛ چون اعلیحضرت محمدعلی میرزا شاه سابق ایران، بعد از خلع و انفصال از مقام سلطنت برای تهیه اسباب و لوازم حرکت خود در تحت لواء دولتین روس و انگلیس متخصن و متوقف ایران بود در روز پنج شنبه ۲۳ شهر شعبان ۱۳۲۷ به نظارت نماینده روس و انگلیس حرکت نموده‌است. و عنقریب از سرحد ایران خارج خواهد شد. لهذا از طرف هیئت وزرای عظام به حکام و مأمورین دولتی اظهار می‌شود؛ حرکت اعلیحضرت معظم الیه را به عموم علمای عظام و اعیان و اهالی اعلام و ابلاغ نموده، قاطبه اهالی را به دعای بقای سلطنت جدید و فرزند شوکت و حشمت اعلیحضرت اقدس شهرباری سلطان احمد شاه خلد الله حکمه و سلطانه رطب اللسان دارند.

